

تحلیل گفتمان دفاعیات رهبران جنبش ۱۴ فوریه بحرین در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه

حسن مجیدی^۱ - علیرضا بیگی^۲ - رامین ولی‌زاده میدانی^۳

دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

چکیده

رژیم آل خلیفه با محاکمه رهبران عمدتاً شیعی سعی در مهار جنبش ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ بحرین داشته است. دفاعیات سیاسی مبارزان در دادگاه‌های این کشور را می‌توان عرصه دیگری از تداوم کنش سیاسی علیه رژیم تلقی کرد، به نحوی که محاکمه مبارزان انقلابی خود به عرصه رویارویی دو گفتمان موجود در بحرین تبدیل شد. این مقاله درصدد تبیین و تحلیل دفاعیات رهبران جنبش ۱۴ فوریه و پاسخگویی به این پرسش است که رهبران این جنبش که از سال ۲۰۱۱ تاکنون در زندان‌های بحرین هستند، در پاسخ به اتهامات آل-خلیفه، چگونه از خود دفاع کرده‌اند؟ نتایج این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی و گردآوری منابع مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی به دست آمده، نشان می‌دهد که این افراد با استفاده از متغیرهای کمی و کیفی از واژگان، استعاره و منافع بیشترین بهره‌گیری را داشته‌اند. علت این امر، موقعیت اجتماعی مبارزان، سطح دانش و مهارت‌های آنان در سخنوری و کتابت بوده است چراکه از سطح علمی بالایی برخوردار بوده و بیشتر آنان هدایت‌کننده جریان‌های خاصی بوده‌اند و با اقبشار و گروه‌های مختلف ارتباط داشته‌اند. این پژوهش در پایان نیز به بیان افق متصور پیش روی این جنبش خواهد پرداخت و نوع ساختار سیاسی قدرت به وجود آمده در جامعه بحرین را تبیین خواهد کرد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، دفاعیات، جنبش ۱۴ فوریه، آل خلیفه، بحرین.

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران majidi118@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری مسائل ایران دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران 3lloush2025@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول) asemanehapth@gmail.com

مقدمه

در فرهنگ فارسی معین واژه «دفاع» به معنای مصونیت از دستبرد دشمن، حفظ کردن، باز داشتن، پس‌زدن، جنگی که مسلمانان با کافران می‌کنند برای جلوگیری از حمله آنان و درنهایت به معنای پاسخ طرف مقابل در هر دعوی است (معین، ۱۳۴۳: ۱۵۴۰). آنچه در این پژوهش برای واژه «دفاع» و «دفاعیه» مدنظر می‌باشد معنی نهایی آن یعنی پاسخ طرف مقابل در هر دعوی است. در این پژوهش نیز فرض بر این است که طرفین دعوی عبارت‌اند از دادگاه‌های نظامی آل خلیفه که هیئت قضات آن از سوی آل خلیفه انتخاب می‌شوند (ر.ک. مرسوم بقانون رقم ۴۲، ۲۰۰۲: ۳۲) و طرف دیگر آن نیز رهبرانی از شیعیان و اهل سنت هستند که تنها به خاطر دعوت مردم به دادخواهی و مطالبه حقوق مشروع خود از نظام آل خلیفه، توسط آن دستگیر شده و محاکمه گردیدند. در پی جلسات محاکمه‌ای که برای این افراد تشکیل داده شد، دادگاه‌های نظامی بحرین به دستور رژیم آل خلیفه، رهبران زندانی را با اتهاماتی که از سوی این افراد تکذیب گردید محاکمه کرده و احکام قضایی علیه آنان صادر کردند. با توجه به عرف قضایی بین‌المللی که بایستی فرصتی به متهم داده شود تا به دفاع از خود پردازد، این پژوهش به دنبال واکاوی دفاعیات رهبران جنبش ۱۴ فوریه بحرین در دادگاه‌های نظامی این کشور است. در ابتدا بایستی به این نکته توجه داشت که رهبران جنبش ۱۴ فوریه بحرین^۱ توانستند جلسه محاکمه را از تهدید به فرصت تبدیل سازند. این افراد که از سوی نظام آل خلیفه به اتهام دعوت مردم به جنبش ۱۴ فوریه بازداشت شده بودند، در روز محاکمه با هنر سخنوری توانستند تهدید ایجاد شده از سوی آل خلیفه را دفع کرده و حقانیت خود را به اثبات رسانند. این افراد که همگی موقعیت اجتماعی ویژه‌ای داشته و در جامعه بحرین از احترام ویژه‌ای برخوردار هستند، با سعه صدر و رعایت ادب و اخلاق و شئونات دادگاه به دفاع از خود و جنبش مردمی ۱۴ فوریه پرداختند. این در حالی بود که رؤسای دادگاه‌های نظامی، در طول جلسات محاکمه، به آنان اجازه دفاع از خود را نمی‌دادند (المقداد، ۱۳۹۵: ۱۲۰؛ الخواجه، الف ۱۳۹۵: ۱۶۲ و ۱۶۴-۱۶۷) و در صورت سخن گفتن این

۱. آیت‌الله شیخ عبدالجلیل مقداد، استاد عبدالوهاب حسین، استاد حسن مشیمع، حجت‌الاسلام و المسلمین سعید النوری، حجت‌الاسلام و المسلمین محمد حبیب المقداد، حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالهادی المخوضر، دکتر عبدالهادی الخواجه، دکتر ابراهیم شریف، دکتر عبدالجلیل یوسف السنکیس.

افراد، آنان را از دادگاه بیرون می‌کردند و نیروهای نظامی آل خلیفه آنان را در بیرون از دادگاه مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. دادگاه‌های نظامی آل خلیفه حتی برای برخی زندانیان و کیل در نظر نمی‌گرفتند. اگر هم وکیل در اختیار زندانیان قرار می‌داد، به وکلای این افراد اجازه دفاع از موکلین خود را نمی‌داد (المقداد، ۱۳۹۵: ۱۱۳؛ السنکس، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۵ و ۲۰۸؛ حسین، ۱۳۹۵: ۴۰). رهبران زندانی بحرین در آخرین دادگاه رسمی از فرصت دفاعیه خود بهره برده و پرده از ظلم و ستم‌های ضد حقوق بشری آل خلیفه در قبال زندانیان برداشتند. این افراد که همگی از فعالان دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بحرین به شمار می‌روند، توانستند با بیان و گفتار کارآمد و با استناد به قوانین بین‌المللی، متن گزارش کمیته حقیقت‌یاب بسیونی^۱ و آیات قرآن، اقدامات آل خلیفه در قبال زندانیان و مردم را محکوم کنند.

همه رهبران و فعالان سیاسی بحرین که در دادگاه‌های آل خلیفه به دفاع از خود و مردم بحرین پرداختند، در ابتدا عضو جمعیت الوفاق^۲ بودند اما در سال ۲۰۰۵م به دلیل تفاوت نگرشی که میان اعضای این جمعیت در پیشبرد اهدافشان به وجود آمد، تعدادی از اعضای آن از جمعیت جدا شده و گروه‌ها و جمعیت‌های جدیدی تأسیس کردند (الدقاق، ۱۳۹۶/۴/۲). برخی از این افراد قائل به مشارکت در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۶م بودند تا بتوانند از طریق انجام اصلاحات در قانون اساسی، خواسته‌های مردم را محقق سازند، اما برخی دیگر معتقد بودند که سوابق آل خلیفه در خلف وعده‌های اصلاحاتی خود نشان داده است که روند اصلاحات نتیجه‌بخش نبوده لذا باید به تحریم انتخابات پارلمانی برخاست. رهبرانی که پس از خروج از جمعیت الوفاق روند تحریم انتخابات را در پیش گرفته بودند پس از حوادث ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱م گزینه انقلاب و سرنگونی نظام را مطرح کردند. عده‌ای دیگر که در جمعیت الوفاق مانده بودند و یا در جنبش‌های اصلاح طلب دیگری به فعالیت می‌پرداختند نیز همچنان رویکرد اصلاحات را در پیش گرفتند و در جنبش ۱۴ فوریه حضور یافتند. این در حالی بود که نظام

۱. کمیته حقیقت‌یابی است که پس از قتل و کشتارهای نظام آل خلیفه در سال ۲۰۱۱م، با ریاست محمد شریف بسیونی تشکیل گردید. کمیته از طرف پادشاه مأمور گردید تا به صورت بی‌طرفانه و مستقل به بررسی حقایق و اموری که در زندان‌های بحرین پردازد و شواهد خود را در قالب گزارش ارائه دهد، در نتیجه نظام خود را موظف کرد که به همه توصیه‌های بسیونی جامه عمل بپوشاند. گزارشی که در نهایت توسط این کمیته ارائه گردید اگرچه همه حقوق مردم بحرین را شامل نمی‌شد اما انقلابیون از آن زمان به بعد خواستار عملی شدن توصیه‌های بسیونی شدند.

۲. جمعیه الوفاق الوطنی الإسلامی.

آل خلیفه در دستگیری رهبران جنبش ۱۴ فوریه بحرین تفاوتی میان اصلاح‌طلبان و انقلابیونی که خواهان سرنگونی و تغییر نظام بودند تفاوتی قائل نشده و یک ماه پس از آغاز جنبش ۱۴ فوریه، رهبران انقلابی بحرین که معمولاً عضو جریان الوفاء الإسلامی^۱ بودند را بازداشت کرد (السندی، ۱۳۹۶/۵/۷). حکومت بحرین، چند ماه بعد نیز رهبران اصلاح‌طلب بحرین که غالباً در جمعیت الوفاق بودند را راهی زندان کرد. با این وجود رهبران انقلابی بحرین که خواهان سرنگونی نظام بودند، در روز محاکمه نهایی در دادگاه‌های آل خلیفه، همچنان به عقیده و رویکردهای خویش پافشاری می‌کردند^۲، بی‌مهابا به دفاع از خود و محکوم ساختن آل خلیفه می‌پرداختند و با بیان حقایق تلخی که درون زندان نسبت به زندانیان و بیرون از آن نسبت به خانواده‌های آنان روا داشته شده بود، پرده از اقدامات ضد حقوق بشری و خلاف عرف و قوانین بین‌المللی آل خلیفه برمی‌دارند. رهبران جنبش ۱۴ فوریه بحرین همگی در ابتدا خواهان مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز برای رسیدن به خواسته‌های خود بودند. آن‌ها سعی کردند تا با رعایت احترام و رعایت قوانین به صورت مسالمت‌آمیز، اهداف خود را پیگیری کنند؛ حال تفاوتی نمی‌کرد که این هدف سرنگونی نظام حاکم باشد یا انجام اصلاحات. در نهایت می‌توان چنین عنوان داشت که بحرین در این مقطع زمانی شاهد دو خرده‌گفتمان است؛ خرده‌گفتمان اصلاح‌طلب که خواهان انجام اصلاحات در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و دینی بوده و گفتمان انقلابی که خواهان تغییر نظام پادشاهی به نظام مردم‌سالار بود. البته باید به این نکته توجه داشت که امروزه پس از گذشت ۶ سال از جنبش ۱۴ فوریه، خرده‌گفتمان محافظه‌کار نیز به وجود آمده است که سعی دارد خود را با شرایط موجود سازگار سازد. این در حالی است که امروزه گفتمان غالب در بحرین گفتمان انقلابی است که تغییر نظام را خواستار است. در رابطه با خاستگاه دو خرده‌گفتمان انقلابی و اصلاح‌طلب پس از جنبش ۱۴ فوریه نیز باید عنوان داشت که مردم بحرین در ابتدای آغاز جنبش یعنی ۳ روز پس از سقوط حسنی مبارک در مصر خواهان اصلاحات بودند یعنی گفتمان قالب گفتمان اصلاحات بود اما پس از اینکه نظام آل خلیفه اقدام به قلع‌و‌قمع تظاهرات مسالمت‌آمیز بحرین کرد، گفتمان

۱. تيار الوفاء الإسلامی.

۲. به استثنای ابراهیم شریف السید موسی، رهبر جریان «وعد» که خواهان اصلاحات بود. وی رهبر اقلیت اهل سنت بحرین است.

قالب به گفتمان انقلابی تبدیل گشته و مردم خواستار سرنگونی و تغییر نظام آل خلیفه شدند. عمده افرادی هم که رهبری مردم مطالبه گر بحرین را در آن مقطع زمانی بر عهده داشتند افرادی انقلابی بودند؛ بنابراین اکثر افرادی که در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه در سال ۲۰۱۲ محاکمه شدند، رهبری گفتمان انقلابی بحرین را بر عهده داشتند که در این پژوهش مورد مذاقه قرار می‌گیرند.

پژوهش پیش‌رو درصدد این مهم است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان «ون دایک» و محوریت کتاب «گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه» نشان دهد که رهبران زندانی جنبش ۱۴ فوریه بحرین چگونه و به چه روشی توانستند از محیط اختناق‌آمیز دادگاه‌های نظامی بهره برده و به اثبات حقانیت خود و ظلمانیت آل خلیفه پردازند. برای این کار ابتدا به توضیح روش تحلیل گفتمان ون دایک پرداخته، سپس مقوله‌ها و متغیرهایی که رهبران زندانی بحرین در قالب تحلیل گفتمان ون دایک به کار گرفتند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه بحث

برخی از پژوهشگران همچون فردوس آقاگل‌زاده، علی‌اصغر سلطانی، امیر رضائی‌پناه؛ تحلیل گفتمان، گفتمان‌شناسی و تحلیل کلامی را مورد پژوهش قرار داده‌اند. برخی دیگر از پژوهشگران همچون منصور میراحمدی و رضا پناهی و حسن مجیدی نیز از تحلیل گفتمان ون دایک در تبیین مناظرات علمی و سیاسی شخصیت‌های دینی و مذهبی برجسته همچون امام رضا (ع) و امام صادق (ع) استفاده کرده‌اند. روش تحلیل گفتمان ون دایک در مناظرات سیاسی و علمی امام رضا (ع) و امام صادق (ع) به‌خوبی کاربست پذیرفته است اما تحلیل دفاعیات سیاسی به روش تحلیل گفتمان ون دایک در نوع خود بدیع به شمار می‌رود. البته باید به این نکته توجه داشت که دفاعیات سیاسی دارای پیشینه تاریخی گسترده بوده که با دفاعیات سقراط آغاز شده و تا دفاعیات دکتر مصدق نیز ادامه پیدا کرده است؛ به‌عنوان نمونه در کتاب «محاکمه سقراط» به قلم افلاطون و به ترجمه لیلی گلستان، سقراط دفاعیات خود را با بیان حقایقی که به آن دست یافته بود آغاز می‌کند. در حقیقت وی با توضیح و تبیین بهتر

اندیشه‌های خود به رؤسای دادگاه، درصدد دفاع از خود برمی‌آید (گلستان، ۱۳۹۱). جلیل بزرگمهر نیز در سال ۱۳۳۶ هـ در کتاب «محاكمه و دفاع دكتر مصدق» صرفاً به بیان گفتگوهای بیان شده میان دادگاه و دكتر مصدق می‌پردازد (بزرگمهر، ۱۳۳۶) لذا دفاعیات وی و سقراط در دادگاه به روش تحلیل گفتمان بررسی نگردیده است بلکه تنها به روند محاكمه و دفاعیات پرداخته شده است درحالی که در این پژوهش تلاش می‌شود تا شگرد و شیوه دفاعیات رهبران زندانی بحرین با روش تحلیل گفتمان ون دایک موشکافی شود. برای دستیابی به این مهم شایسته است تا نخست به درک صحیحی از تحلیل گفتمان رسیده و با ون دایک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گرایش‌های تحلیل گفتمان آشنا شویم.

روش تحلیل گفتمان

در این مقاله توجه به ظرفیت زبانی تحلیل گفتمان مدنظر است زیرا به نظر می‌رسد شناخت زبان و ساختار کلامی رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین در طول دفاع از خود در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه درس آموز است و می‌توان با تحفظ‌هایی از ظرفیت‌های این روش تحلیل، متناسب با جایگاه این افراد بهره گرفت.

امروزه سه گرایش مهم در تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد که یکی از چهره‌های اصلی این رویکرد «ون دایک» است. ون دایک بر نقش شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، شناخت و اجتماع، مثلثی را شکل داد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل انتقادی گفتمان، یعنی رویکرد اجتماعی- شناختی شد. او گفتمان را در معنای عام، رویدادی ارتباطی در نظر می‌گیرد مانند تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر مرتبط با دلالت معنایی.

ون دایک معتقد است که گفتمان مسیرهای بسیاری برای تاکید کردن یا کم اهمیت نشان دادن معنا دارد (Van Dijk, 2001: 137-138). وی بیان می‌دارد که اگر این مسیرها مبنای ایدئولوژیک داشته باشند، می‌توان نحوه نمود آن را در سطح‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار داد. معنا، صورت‌های گفتمان، ساخت‌های گزاره‌ای، استدلال و ساخت‌های صوری از جمله سطوح مختلفی است که مورد تاکید ون دایک قرار گرفته است (Van Dijk, 2003: 35-37).

تبیین اندیشه سیاسی ون دایک مشخص می‌سازد که وی ایدئولوژی را چارچوبی برای بازنمایی‌های اجتماعی مشترک در یک گروه خاص ارزیابی می‌کند (Van Dijk, 2007: 68-69). بر اساس دیدگاه ون دایک؛ اعضای گروه‌های اجتماعی، دستگاه‌های عقیدتی مشترکی دارند. او معتقد است که ایدئولوژی‌ها اصالتاً امری اجتماعی هستند (Van Dijk, 2009: 65-68). ون دایک بر این باور است که بر اساس نگاه گفتمان‌مدار می‌توان در دستگاه فکری افراد نفوذ کرد و به تدریج تغییراتی در آن ایجاد نمود (Ven Dijk, 2002: 42-45).

از نظر ون دایک، طراحی مدلی برای چارچوب نظری مستلزم توجه به رابطه سه‌گانه بافت، شناخت و گفتمان است. گفتمان از نظر وی پدیده‌ای است که سه جنبه اصلی دارد: کاربرد زبان، شناخت و تعامل در بافت‌های اجتماعی - فرهنگی. گفتمان، تجلی‌بخش، بیانگر و شکل‌دهنده بسیاری از ویژگی‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی - فرهنگی است که «بافت» نامیده می‌شود. اگر مشخصه‌ای از بافت و جامعه به‌طور کلی بر گفتار و نوشتار تأثیر بگذارد (و برعکس)، مسلماً آن مشخصه «قدرت» است (Van Dijk, 2000: 23-26).

مسیر نظری که در آثار ون دایک از ایدئولوژی به گفتمان می‌رسد به این ترتیب شکل گرفته که معانی گفتمانی، از مجموعه‌ای از مدل‌های ذهنی منتج می‌شود که به وسیله مدل‌های زمینه‌ای کنترل می‌شود. این مدل‌ها دربرگیرنده نظرات شخصی و اجتماعی درباره رویدادها هستند. عقاید اجتماعی ممکن است بر اساس اندیشه‌های مشترک گروهی شکل گرفته باشد که به سازماندهی رویدادها و زمینه‌های خاص کنش‌ها اقدام می‌کند. در کل، چنین نظامی از اندیشه‌ها، بازنمایی‌های ذهنی هستند که به شکل طرح‌واره‌ها، ابعاد اصلی حوزه اجتماعی گروه (هویت، کنش‌ها، اهداف، موقعیت‌ها، ارزش‌ها و منابع) را طبقه‌بندی می‌کنند و به گزینش‌های منفعت‌گرایانه از ارزش‌هایی دست می‌زنند که پایه و اساس ارزیابی کنش‌های اجتماعی اعضای گروه است.

معانی به اشکال گوناگون در ساختارهای سطحی متون بیان می‌شوند. مواردی مانند «انسجام واژگان، عبارت‌ها و ساختار جمله، رده‌بندی‌های نحوی، نحوه چینش واژگان، آهنگ گفتمان، سازه‌های گرافیکی و سازمان ابرساختارها در طرح‌واره‌های رایج مانند ساختارهای روایت، استدلال یا گزارش‌های خبری» (Van Dijk, 1998: 45).

بنابراین، بسیاری از ساختارهای معنایی و عقاید ضمنی آن‌ها از بررسی ساختارهای سطحی به وجود می‌آید. هم‌زمان باید معانی به حاشیه رانده شده را نیز بررسی کرد و معانی ناشی از غیاب آن‌ها را نیز مدنظر قرار داد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

یکی از مراحل اساسی در تحلیل گفتمان، عملیاتی کردن مباحث نظری یا به عبارتی، تعیین متغیرها به منظور تحلیل متن و گفتمان است. مسئله اصلی این است که تحلیل گفتمان انتقادی چگونه ادعاهای نظری خود را به ابزارها و روش‌های تحلیلی تبدیل می‌کند؟ به طور خاص، میانجی‌گری میان نظریه‌ها و مفاهیم کلان و موارد و مصادیق ملموس و عینی که هسته و کانون تحلیل در تحلیل گفتمان انتقادی را تشکیل می‌دهد مورد تأکید است.

از آنجایی که این پژوهش با استفاده از دیدگاه‌ها و شیوه تحلیلی ون‌دایک سامان یافته، متغیرها و مقوله‌هایی که وی در تحلیل گفتمان انتقادی و متون رسانه‌ای از آن‌ها استفاده کرده برای تحلیل به کار رفته است که عبارت‌اند از: واژگان، استعاره، کنایه، اغراق و بزرگ‌نمایی، حُسن تعبیر، تخفیف دادن و جابه‌جا کردن، منافع، نقل قول، ناگفته‌ها، چشم‌انداز (منظر)، انسجام کلی (درون‌مایه‌ها)، قطب‌بندی، پیش‌فرض‌ها، معانی ضمنی و تأکید ساختاری.

به منظور رعایت اختصار و با توجه به شأن این افراد که برخی از آنان روحانیون بنام و صاحب منبر و برخی دیگر نیز در رفتار و اخلاق شهره عام و خاص در بحرین بوده‌اند، متناسب با موقعیت ایشان که اجل از همسان‌سازی با روش‌های غیراخلاقی است، در تحلیل گفتمان دفاعیات آنان، از میان این مقوله‌ها صرفاً از مقوله‌های واژگان، چشم‌انداز، استعاره، انسجام تاریخی، نقل قول و تأکید ساختاری بهره گرفته‌ایم.

تعریف مقوله‌ها و متغیرها

الف- واژگان! واژگان نقش بسیار مهمی در گفتمان دارند. واژگانی که گوینده یا نویسنده به کار می‌برد دقیقاً با قدرت، موقعیت سیاسی، اجتماعی و اخلاقی او یا به عبارت دقیق‌تر، با وزن اجتماعی او سنجیده می‌شود. اینکه فرد چه واژه یا کلمه‌ای را برای بیان

مقصودش برمی‌گزیند تا حد بسیار زیادی به موقعیت شخصی، اجتماعی و سیاسی او بستگی دارد. از آنجا که بسیاری از این موقعیت، ایدئولوژی بنیاد است تجلی واژه‌ها در گفتار و نوشتار، دیدگاه و عقاید وی را در خصوص موضوع مورد بحث نشان می‌دهد.

گونه‌های مختلف گفتمان با توجه به موضوع، هدف و عوامل دیگر با انواع واژگان خاص تجانس دارد. تحلیل عناصر واژگانی، شناخته‌شده‌ترین راه مطالعه اندیشه‌هاست که ممکن است برای بیان قضاوت ارزشی به کار رود. «برخی از واژه‌ها به شکل طبیعی برای بیان یک نظر به کار می‌روند؛ مانند زشت، زیبا و...، اما برخی دیگر به نظام‌های ارزشی - معرفتی پنهان در پیش‌فرض‌ها بستگی دارند؛ مانند مسلمان، کافر و...» (Van Dijk, 1998: 31). واژگان انتخاب‌شده بیان‌کننده ارزش‌ها و نُرْم‌ها هستند و برای قضاوت ارزشی استفاده می‌شوند.

ب- استعاره^۱: استعاره یکی از راه‌های انتقال معناست. در استعاره، رابطه میان چیزها از راه قیاس مطرح می‌شود. یکی از رایج‌ترین صور استعاره، تشبیه است که در آن مقایسه‌ای مطرح می‌شود و از شباهت سخن به میان می‌آید.

پ- نقل قول^۲: نقل نوشتار یا گفتار شخص حقیقی یا حقوقی، مستقیم یا غیرمستقیم به منظور مستند کردن متن و معجب کردن مخاطب.

ت- کنایه^۳: کنایه نیز یکی از راه‌های انتقال معناست. در نشانه‌ای که کارکرد کنایه‌ای دارد نیز مانند استعاره، دال به یک چیز اشاره می‌کند، اما از طریق دالی دیگر می‌دانیم که آن دال به واقع به چیزی کاملاً متفاوت و متضاد دلالت می‌کند. برای مثال اگر برای اجتماعی هیچ‌کس نیامده باشد و کسی بگوید «عجب جمعیت انبوهی»، در حقیقت کنایه به کار برده است.

ث- چشم‌انداز (منظر)^۴: هر متنی از چشم‌انداز و منظری خاص سخن می‌گوید؛ چشم‌اندازهایی مانند حق، مؤمن و... در متن می‌توان دریافت که نویسنده از چه منظری به قضایا می‌نگرد.

ج- حُسن تعبیر^۵: کنش‌ها، عقاید، نهادها یا روابط با عباراتی توصیف و بازتوصیف

1. Metaphor
2. Quotation
3. Metonymy
4. Perspective
5. Euphemism

می‌شوند که ارزش‌گذاری مثبتی را طلب کنند.

چ- اغراق و بزرگنمایی^۱: بزرگنمایی ضعف‌ها، مشکلات و اشتباهات «دیگران» و دشمنان و نیز اغراق و بزرگنمایی موفقیت‌ها، پیشرفت‌ها و اعمال مثبت «خود» و دوستان.

ح- منافع^۲: هسته بنیادین این عنصر گفتمانی تأکید بر «منافع ما» به‌عنوان میزان و ترازوی سنجش کنش‌های گفتمانی است و هر امری که این منافع را مورد تهدید قرار دهد (بدون توجه به منافع دیگری) توجیهی برای نفی پیدا می‌کند. ایده‌های منفی یا مثبت «ما» درباره اعمال ما یا دیگران بر منافع و تعلقات ما مبتنی است؛ بنابراین به‌عنوان مثال، صرفاً قیافه و ظاهر مبارزان مسلمان، ملاک داوری برای خطرناک بودن آن‌ها نیست، بلکه آن‌ها باید به‌عنوان دشمن و تهدید کننده منافع غرب در جهان نگریسته شوند.

خ- قطب‌بندی^۳: آنچه در فحوای تمام ساختارهای گزاره‌ها شکل می‌گیرد اولین راهبرد کلی بیان نگرش‌های مشترک گروه‌محور و ایدئولوژی‌ها از طریق مدل‌های ذهنی است. این استراتژی «قطبی‌سازی» نامیده می‌شود که بر توصیف مثبت درون‌گروهی و توصیف منفی برون‌گروهی (Van Dijk, 1998: 33) استوار است. ون دایک برای بیان این مفهوم از «مربع ایدئولوژیک» استفاده می‌کند که مشتمل بر چهار مؤلفه است:

* تأکید بر ویژگی‌ها و اعمال خوب خود؛

* تأکید بر ویژگی‌ها و اعمال بد دیگران؛

* کمتر از میزان واقعی نشان دادن اعمال بد خود؛

* کمتر از میزان واقعی نشان دادن اعمال خوب دیگران.

مبنای عمل قطبی‌سازی همان تقابل‌های دوگانه‌ای است که در بافت‌های ایدئولوژیک سعی بر طبیعی‌سازی آن‌ها می‌شود. تحلیل‌گران گفتمانی، ریشه تقسیم‌بندی فوق را در نابرابری و سلطه فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگر ذکر می‌کنند. به نظر این تحلیل‌گران، صرف‌تن دادن به تقسیم‌بندی فوق، مشروعیت بخشیدن به سلطه است. «خود» و «دیگری» چگونه و با چه الفاظی توصیف می‌شوند. «خود» با ارزش‌های مثبتی چون دموکراسی، آزادی، حقوق بشر و غیره و دیگری با ارزش‌های منفی چون متحجر، خشونت‌طلب، عقب‌مانده و غیره توصیف

1. Exaggerating and Magnifying
2. Interest
3. Polarization

می‌گردند. «توصیف» تعیین‌کننده هویت گروه‌ها، نهادها، افراد و تمدن‌هاست. توصیف مثبت و منفی به دنبال قطبی کردن ایدئولوژیک می‌آید.

د- پیش‌فرض‌ها^۱: مفروضات ذهنی که مسلم فرض می‌شوند و بر قضاوت و داوری فرد و تعریف و مفهوم‌سازی او از واقعیت تأثیر می‌گذارد.

ذ- انسجام کلی (درون‌مایه‌های متن)^۲: انسجام کلی از طریق آنچه سرفصل و درون‌مایه‌های متن می‌انگاریم، بیان می‌شود. سرفصل‌ها از نظر مفهومی خلاصه متن هستند و مهم‌ترین اطلاعات آن را مشخص می‌کنند. از لحاظ نظری، سرفصل‌ها حکم کلان‌گزاره‌های معنایی را دارند.

ر- تأکید ساختاری^۳: بر کنش‌ها و عقاید منفی «دیگران» و کنش‌ها و عقاید مثبت «خود» تأکید می‌شود.

یافته‌های تحقیق

واژگان

یکی از عوامل بسیار اثرگذار در موفقیت رهبران در اثبات ظلم و ستم آل خلیفه در قبال آنان و خانواده‌هایشان، بهره‌گیری از دامنه گسترده‌ای از واژگان و عباراتی بود که ظلم و ستم و خشونت نیروهای آل خلیفه را هنگام بازداشت و در طول زندان و محاکمه منعکس می‌ساخت. این زندانیان به سبب برخورداری از سطح دانش گسترده و موقعیت اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی خود توانستند به خوبی از لغات گسترده و متنوع بهره ببرند. عمده این افراد خطیب منبر^۴، استاد حوزه^۵، استاد دانشگاه^۶ بودند و چون سخن گفتن و سخن شنیدن، فعالیت متداول و رایج آنان بوده لذا در سخنرانی و کاربست واژگان و جملات مختلف با بار معنایی مناسب، ید طولایی داشتند. این افراد در جلسه دفاعیه خود^۷، برای اثبات حقانیت و مشروعیت خواسته‌ها و مطالبات مردم، مظلومیت آنان، مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات و

1. Assumption

3. Overall Coherence

4. Structural Stresses

۴. عبدالجلیل المقداد، محمد حبیب المقداد، سعید النوری، عبدالوهاب حسین، محمدعلی رضی اسماعیل، عبدالله عیسی المحروس.

۵. عبدالجلیل المقداد، سعید النوری، محمدعلی رضی اسماعیل، عبدالهادی المخوضر.

۶. عبدالجلیل یوسف السنکیس.

۷. متن این دفاعیات در کتاب «شهادة وطن» به زبان عربی و کتاب «گواه میهن» به زبان فارسی وجود دارد.

راهپیمایی‌ها، خشونت‌آمیز بودن رفتار نیروهای آل خلیفه هنگام برخورد با مردم و رهبران جنبش ۱۴ فوریه و بدرفتاری با آنان در طول زندان، از واژه‌ها و عبارات ذیل استفاده می‌کردند و با آن به شرح حقایق می‌پرداختند که در محکومیت نظام آل خلیفه تأثیر بسزایی داشت.

تکرار	واژگان و عباراتی که از سوی رهبران زندانی مورد استفاده قرار گرفت
۱۲ مرتبه	دستگیری (بازداشت) خشونت‌آمیز - وحشیانه.
۲۲ مرتبه	هجوم (حمله) وحشیانه در نیمه‌شب، پس از نیمه‌شب به خانه و شکستن درب و پنجره‌ها.
۱۳۵ مرتبه	هیئت قضات محترم، قاضیان گرامی، قاضیان محترم، سروران گرامی.
۲۵ مرتبه	نیروهای چهره‌پوش، سیاه‌پوشان سلاح به دست.
۷۶ مرتبه	هجوم به زنان و کودکان بی‌دفاع، ترساندن زنان و کودکان. ایجاد رعب و وحشت در قلب زنان و کودکان. سلاح گرفتن (کشیدن) بر روی (صورت) زنان و کودکان.
۶۳ مرتبه	شکستن (تخریب کردن - ویران کردن) اسباب و وسایل منزل (خانه) - به هم ریختن منزل (خانه).
۴۲ مرتبه	سرقت (دزدیدن) لوازم و وسایل شخصی. سرقت پول، کارت‌های بانکی، طلا و جواهرات، لوازم الکترونیکی و شخصی.
۲۶۳ مرتبه	فحش، دشنام، ناسزا، توهین و کلمات زشت و رکیک به خود و خانواده و شعائر دینی و اهل بیت (ع).
۲۸۹ مرتبه	شکنجه‌های خشن، خشونت‌آمیز، سخت، غیرقابل تحمل، غیرانسانی. آزار و اذیت‌های جسمی - روحی - جنسی.

این افراد با بیان مداوم واژگان و عبارات مذکور در جدول، درصدد تبیین ظلم و ستم‌های آل خلیفه با آنان بودند. این افراد تلاش می‌کردند تا با رعایت موازین اخلاقی به بیان کامل چگونگی رفتار نیروهای آل خلیفه و حتی فرزندان پادشاه بحرین (المقداد، ۱۳۹۵: ۱۲۲) با آنان بپردازند تا هیئت قضات دادگاه که افرادی منتخب از سوی آل خلیفه بودند را با رفتار و اخلاق خود و نشان دادن مظلومیت خود تحت تأثیر قرار دهند. علاوه بر این افراد، شیخ علی سلمان، دبیرکل جمعیت الوفاق نیز در دادگاه بحرین، نظام بحرین را مورد ستایش قرار داد اما با این وجود، نظام بحرین بدون اثبات اتهامات شیخ علی سلمان، وی را محاکمه کرده و به ۹ سال زندان محکوم کرد (سلمان، ۲۰۱۷: ۵۰-۵۱، ۲۷۳-۲۷۵). این روش حتی توسط انقلابی‌ترین

فرد زندانی که گفتمان اسلام رادیکالی را در میان شیعیان بحرین بر دوش دارد نیز انجام شد. استاد عبدالوهاب حسین، رهبر جریان وفاء اسلامی، فردی که در جامعه بحرین به فردی انقلابی که خواهان سرنگونی نظام است شهرت دارد، در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، با سعه صدر به اتهامات خود پاسخ داد. وی در طول دفاعیات خود توانست رفتارهای نامناسب نظام و نیروهای امنیت بحرین در قبال زندانیان را به تصویر بکشد. او با کاربست واژگانی که نشان دهنده قساوت و ستم بود، در قالب جملات محترمانه، شیوه رفتار زندانبانان را بیان ساخت (حسین، ۱۳۹۵: ۳۲ و ۳۴ و ۳۶).

کنایه

یکی از روش‌های بیان نظرات و انتقادات که مبارزان بحرینی در چندین مورد از آن بهره جستند، کنایه است. این افراد توانستند تا با استفاده از کنایه از تکرار برخی جملات و مفاهیم پرهیزند و آن را به شیوه طنزآمیز بیان سازند تا بیشترین میزان تاثیر را از سوی طرف مقابل در پی داشته باشد. عباراتی چون «با ضرب و شتم و لگد استقبال گرمی از ما کردند» (الخواجه، ب ۱۳۹۵: ۳۳۶)، «با فحش و دشنام از من استقبال کردند» (مشیم، ۱۳۹۵: ۴۹)، «با انداختن آب دهان بر روی صورتم مرا مورد عنایت خودشان قرار دادند» (السنکیس، ۱۳۹۵: ۲۰۳ و ۱۸۷).

استعاره

از مؤثرترین راه‌های انتقال معنا و مفاهیم، استعاره است که رهبران زندانی بحرین به خوبی از این آرایه ادبی بهره گرفتند. آنان برای شرح چگونگی رفتار نیروهای آل خلیفه با آنان و خانواده‌هایشان از استعاره و تشبیه استفاده می‌کردند. تشبیه و کاربست استعاره اگرچه به ظاهر بسیار ساده است اما موقعیت‌های بهره‌گیری از آن و ساختار جملات، امر مهمی در استعاره و تشبیه است که این افراد به خوبی از عهده آن بر آمده‌اند، بویژه اینکه بسیاری از آنان اهل فرهنگ و ادب و قلم بوده^۱ لذا به خوبی توانستند حوادث رخ داده برای خود را با این آرایه ادبی بیان کنند. پاره‌ای از این جملات به شرح ذیل است:

۱. عبدالهادی المخوضر، عبدالوهاب حسین، حسن مشیم، محمدعلی رضی اسماعیل.

صفحه	استعاره و تشبیهات ادبی به کار برده شده توسط زندانیان
۹۳	دوران زندان ما شبیه به سریال دردناکی بود که از وحشت پر شده بود.
۱۱۶	بیمارستان نظامی‌ای که ما را به آنجا بردند بیشتر شبیه زندان انفرادی بود تا بیمارستان.
۲۱۷	نظام باید بداند که ما مثل قرن ۱۹ میلادی رعیت او نیستیم که هرگونه بخواهد با ما رفتار کند.
۲۷۴	همه این صحبت‌ها همانند صاعقه بر سر من می‌خورد و مرا نسبت به خانواده‌ام نگران می‌ساخت.
۲۹۷	همانند گوسفند مرا بر روی زمین می‌کشیدند.
۳۰۴	پس از حمله نیروهای آل خلیفه، منزل من همانند خرابه شده بود.
۳۲۴	همانند حیوانی وحشی به خانواده من هجوم آوردند.
۳۳۱	مرا همانند لاشه گوسفند از سقف آویزان کردند.
۳۴۲	هرکس از زندانیان که می‌خواست به حمام برود باید خود را با پتو می‌پوشاند که شبیه خیمه متحرک می‌شد.
۳۴۲	زندان پر از خیمه‌های متحرک شده بود.
۳۴۹	او فهرستی از اتهامات را به ما نشان داد تا همانند صاعقه‌ای بر سر ما بخورد.
۳۴۹	همانند گوسفندانی که برای قربانی و سلاخی برده می‌شوند شده بودیم.
۳۵۰	همانند زندانیان گوانتانامو شده بودیم.
۳۶۷	قاضیان دادگاه‌های کشور ما باید مطیع بر روی صندلی‌های خود بنشینند همانند دانش آموزان دبیرستانی.

چشم‌انداز

مبارزان زندانی بحرین خود را ساکنین حقیقی مجمع‌الجزایر بحرین معرفی می‌کنند که توسط خاندانی غیر بحرینی تحت سلطه و سیطره قرار گرفته‌اند. آنان اوج تأسف را در مورد ظلم و ستم قرار گرفتن از جانب نیروهای غیر بحرینی می‌دانند که توسط آل خلیفه از کشورهای دیگر به این بحرین آورده شده‌اند. این مبارزان، خود و مردم مطالبه‌گر بحرین را افرادی اصیل و با فرهنگ معرفی می‌کنند که برای ایجاد نظامی مردم‌سالار و مبتنی بر عدالت به پا خاسته‌اند. بسیاری از رهبران در بند جنبش ۱۴ فوریه که از شیعیان بودند، خود را اکثریت شیعه معرفی می‌کنند که توسط نظام سنی‌مذهب تحت سلطه قرار گرفته‌اند که حتی اهل سنت معتدل را نیز مورد ظلم قرار می‌دهد (السندی، ۱۳۹۶: ۵۱ و ۵۹)، چراکه نظام آل خلیفه حتی

رهبر اصلاح طلب جمعیت الوعد^۱ که اهل سنت و خواهان اصلاحات بوده را نیز بازداشت کرد و تحت شکنجه قرار داد (النوری، ۲۰۱۳: ۱۱۵؛ المتروک، ۲۰۱۷: ۲۰ و ۳۷ و ۴۴ و ۸۰ و ۹۹ و ۱۸۴).

انسجام کلی

نقطه آغاز و پایان دفاعیات این افراد مشخص بوده و از انسجام و نظم منطقی اقتناع کننده‌ای برخوردار است؛ به طوری که هیئت قضات دادگاه را از حیث استدلال قانع می‌کند. آنان نوع برخورد نیروهای آل خلیفه را از زمان دستگیری تا زمان صدور حکم به طور کامل، دقیق و منظم شرح می‌دهند. جلوگیری از درهم‌ریختگی دفاعیات، تعریض‌ها و حاشیه‌ها نیز مسیر مناظره‌ها را به سمت نظم و نتیجه مشخصی سوق می‌دهد.

حسن تعبیر

آنان برای اینکه از میزان کینه‌توزی دادگاه نسبت به خود بکاهند پاره‌ای از مفاهیمی که دارای بار معنایی منفی بوده و منتسب به دادگاه بود را با عبارت‌هایی ملایم‌تر و بهتری بیان می‌داشتند، به‌عنوان مثال؛ همه زندانیان خواهان بیان این نکته بودند که چون اعضای دادگاه همگی از سوی نظام آل خلیفه تعیین می‌شوند و این افراد از جیره‌خواران خاندان آل خلیفه هستند بنابراین حکمی که می‌خواهند صادر کنند بسیار واضح و مبرهن است. در نظر آنان برای صدور حکمی عادلانه ابتدا باید هیئت قضات بی‌طرفانه به بررسی اتهامات پردازند، دوم اینکه محاکمه بایستی در دادگاه مدنی صورت پذیرد، نه در دادگاه نظامی.

بیان مستقیم این سخن موجب افزایش دشمنی هیئت قضات و بی‌رحمانه‌تر شدن حکم صادره از سوی آنان می‌گردید لذا بایستی به صورت غیرمستقیم به بیان آن پردازند تا کمترین میزان واکنش را در پی داشته باشد. بنابراین «قضاوت سیاسی» مناسب‌ترین تعبیری بود که آنان بیان داشتند (المقداد، ۲۰۱۳: ۱۱-۱۲). آنان سیاسی شدن دادگاه را به آل خلیفه نسبت دادند و هیچ اشاره‌ای به نقش هیئت قضات به‌عنوان جیره‌خواران آل خلیفه نداشتند لذا این امر سبب شد تا هیئت قضات دادگاه از میزان خصومت به زندانیان کاسته و به آنان فرصت دفاع از خود بدهند.

۱. آقای ابراهیم شریف السید موسی

نقل قول

این افراد با تسلطی که بر متون قانون اساسی، قوانین بین‌المللی و همچنین متون قانونی کمیته حقیقت‌یاب بسیونی داشتند، سخنان خود را به این مفاد مستند می‌ساختند و بدین طریق مشروعیت اقدامات خود را اثبات کرده و درصد محکوم ساختن آل خلیفه و نظام سلطه بر می‌آمدند. این افراد در طول دفاعیات خود در ماه می سال ۲۰۱۲، ۱۳۱ مرتبه به گزارش قانونی و معتبر کمیته بسیونی استناد می‌ورزند.^۱ این در حالی رخ داده که آنان در زندان بودند و به هیچ منبع مکتوبی برای مراجعه به آن دسترسی نداشتند لذا با تسلطی که بر متون حقوقی و قانونی بویژه متون کمیته حقیقت‌یاب بسیونی داشتند به دفاع از خود پرداختند. علاوه بر متون مستند حقوقی و قانونی، بویژه متون و گزارشات کمیته حقیقت‌یاب بسیونی که مورد تایید نظام آل خلیفه نیز بود، رهبران زندانی به آیات قرآن نیز برای اثبات ظلم و ستم آل خلیفه در قبال مردم بحرین و زندانیان نیز استفاده می‌کردند. برخی از آنان که روحانی بودند با تسلطی که بر قرآن داشتند می‌توانستند از آیات قرآن بهره ببرند. این افراد بدین صورت توانستند هیئت قضات را مجاب کرده و فرصت بیشتری برای ادامه دفاعیات خود به دست آورند.

قطب‌بندی

نظام آل خلیفه از آغاز جنبش ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ حوادث بحرین را اختلافات مذهبی میان اهل سنت و شیعیان معرفی کرد. آل خلیفه افرادی را مأمور ساخته بود تا به مسجد الفاتح اهل سنت رفته و با برگزاری جلسات و محافل گفتگو، حوادث بحرین را توطئه شیعیان اهل سنت جلوه دهند (السندی، ۲۰۱۶: ۴۴). آل خلیفه برخی از نیروهای امنیتی خود را مأمور ساخته بود تا به مناطق اهل سنت یورش برده و آن را به شیعیان نسبت دهند تا بدینوسیله شعله اختلاف میان شیعیان و اهل سنت را شعله‌ور کند. این سناریو درون زندان نیز پیگیری شد، بدین طریق که زندانبانان و افسران زندان که از اهل سنت بودند به مقدسات و نمادهای دینی شیعیان توهین و بی‌احترامی می‌کردند (النوری، ۱۳۹۵: ۲۲۵)؛ اما این نقشه آل خلیفه علیه شیعیان و اهل سنت ناکام ماند، چراکه رهبران زندانی شیعه به همراه ابراهیم شریف السید

۱. ر.ک. گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه.

موسی که رهبر اقلیت اهل سنت در جنبش و عدل^۱ بود همگی حوادث بحرین را مطالبات ملی دانستند. این افراد بیان داشتند شیعیان و اهل سنت برادر هستند که با کمک یکدیگر برای انجام تغییرات در بحرین به پا خواسته‌اند. رهبران شیعه که در زندان اکثریت بودند، هنگام بیان دفاعیات خود ۱۵ مرتبه از اهل سنت به عنوان برادران خود یاد کردند.^۲ در حقیقت این افراد توانستند قطب‌بندی شیعه - سنی آل خلیفه را به قطب‌بندی مردم - نظام تبدیل سازد یعنی اینکه تهدید آل خلیفه را به فرصتی برای خود و تهدیدی برای نظام آل خلیفه تبدیل کرد.

اغراق و بزرگنمایی

برخی از این افراد، دفاعیات خود را با خواندن آیه ﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾^۳ آغاز می‌کردند. این افراد که در موقعیت‌های دینی و مذهبی قرار داشتند و در دفاعیات خود از آیات قرآنی بهره می‌گرفتند، با علم به این آیه از قرآن، سعی در پر جلوه ساختن ظلم و ستم آل خلیفه و مظلومیت خود کردند تا بدینوسیله بتوانند عواطف و احساسات رئیس و هیئت قضات دادگاه را تحت تأثیر قرار دهند. آنان برای نیل به این مهم، در دفاعیات خود از قیده‌های «بسیار»، «خیلی زیاد»، «به شدت»، «وحشیانه»، «بی‌رحمانه» و غیره به فراوانی استفاده کرده‌اند (المقداد، ب: ۱۳۹۵: ۸۳ و ۸۵؛ النوری، ۱۳۹۵: ۲۴۸). این در حالی بود که بعضی از زندانیان فرهیخته با ادبیات ملایمت‌تری به بیان دفاعیات خود پرداخته‌اند.

منافع

منافع به‌عنوان بنیادی‌ترین عنصر گفتمانی مبارزان بحرینی است. آنان تسلط استعمار انگلستان در گذشته و استعمار آمریکا در دوران معاصر و همچنین سلطه عربستان بر بحرین در زمان حال را عواملی می‌دانند که منافع مردم بحرین را مورد تهدید قرار داده است. اخراج و تبعید مستقیم یا غیرمستقیم ساکنین اصلی بحرین^۴، وارد کردن افراد خارجی متعصب از

۱. جمعیه العمل الوطنی الی‌دمقراطی - وعد.

۲. ر.ک. گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان رژیم در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه.

۳. خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد و خدا شنوای داناست. سوره مبارکه نساء / آیه شریفه ۱۴۸.

۴. که به آنان البحارنه می‌گویند.

کشورهای دیگر و دادن شناسنامه به آنان و اشتغال این افراد در مناصب مهمی همچون مناصب امنیتی (الرمیحی، ۱۹۹۵: ۲۲) و محروم ماندن ساکنین قدیمی و مردم حقیقی بحرین از حقوق خود، موجب گردید تا رهبران معترضان احساس کنند منافع مردم بحرین مورد تهدید واقع شده و در دادگاه‌های محاکمه ندای عدالت‌خواهی سر دهند. ایجاد محدودیت شغلی برای شیعیان بحرین، عدم امکان ارتقای شغلی آنان و دستیابی به مناصب عالی‌رتبه، اعمال محدودیت‌های اقتصادی و بازرگانی، قبضه شدن املاک، سواحل، ثروت و منابع ملی بحرین توسط خاندان حاکم (شریف، ۲۰۱۳: ۹۴؛ بی‌نا، ۲۰۰۱/۱۱/۱۷)، تصرف مشاغل حکومتی توسط اطرافیان حاکم، تصرف بندرگاه‌ها توسط فرزند ارشد پادشاه بحرین و همچنین حضور نیروهای آمریکایی در پایگاه دریایی الجفیر که موجب دخالت در امور داخلی بحرین و ایجاد ناامنی و گسترش فساد اخلاقی شده بود (امیردهی، ۱۳۹۰: ۳۷)، همگی از عوامل تهدیدکننده منافع مردم بحرین و بویژه شیعیان به شمار می‌رود که این افراد در دفاعیات خود به طرح آن پرداختند (بی‌نا، ۲۰۱۲/۱/۱۰؛ صوت البحرین، ۲۰۱۷؛ حسین، ۲۰۱۵). این در حالی است که آل خلیفه با دو قطبی‌سازی کشور سعی در نشان دادن شیعیان بحرین به‌عنوان تهدید اصلی مردم بحرین دارد در حالیکه شیعیان بحرین اکثریت جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند و مطالباتی که دارند ملی است و نه طایفه‌ای. در واقع نظام آل خلیفه شیعیان را تهدیدی استراتژیک برای خود می‌داند (بوصفوان، ۲۰۱۲: ۵۰۷).

پیش‌فرض‌ها

از امور بدیهی که همه زندانیان از آن آگاه بودند، سیاسی بودن محاکمه بود. همه زندانیان به این حقیقت اقرار کرده و بعضی از آنان نیز در جلسه محاکمه، قبل از بیان دفاعیات، آن را به هیئت قضات بیان داشتند. آنان با استناد بر سخن نائب رئیس شورای عالی قضات که گفته بود: «احکام دادگاه‌ها از دیوان پادشاهی می‌آید»

احکام دادگاه را احکام از پیش آماده‌شده از سوی دیوان پادشاهی می‌دانستند و این را به‌صراحت در دادگاه بیان می‌کردند (السنکیس، ۱۳۹۵: ۲۱۶). علم به این موضوع به‌هیچ‌وجه مانع از این نمی‌شد تا آنان از نتیجه‌بخشی دفاعیات مأیوس شوند بلکه علم به اینکه حکم آل

خلیفه به صدور حکم آنان می‌پردازد، قاطعانه به بیان دفاعیات می‌پرداختند و پرده از اقدامات غیرانسانی و غیر حقوق بشری آل خلیفه در زندان‌ها بر می‌داشتند.

تأکید ساختاری

رهبران زندانی بحرین هنگام بیان دفاعیات خود در دادگاه‌های نظامی این کشور، با استناد بر بیانات شیعیان و اهل سنت و شواهد موجود در تحولات میدانی بحرین، حوادث این مجمع الجزایر را غیرطایفه‌ای خواندند و ادعای آل خلیفه مبنی بر اختلافات شیعه و سنی را تکذیب کردند.

نتیجه‌گیری

دفاعیات این افراد را می‌توان رویارویی گفتمان استکبار نظام سلطه بحرین از یک سو و گفتمان استکبارستیز، عدالت‌خواه و استقلال طلب مردم بحرین از سوی دیگر ارزیابی کرد که در نهایت در عرصه محاکمه، گفتمان مردمی رهبران بحرین به وسیله دفاعیات به پیروزی رسید. اثبات خود و نفی دیگری که خصلت غیریت‌ساز گفتمان است در این عرصه، بدون توسل به شیوه‌های غیراخلاقی بروز یافت.

قطب‌بندی در این مناظره امری طبیعی بود چرا که نظام بحرین همواره تلاش داشته است تا حوادث بحرین را اختلافات مذهبی و طایفه‌ای میان شیعیان و اهل سنت معرفی کند اما رهبران زندانی جنبش ۱۴ فوریه بحرین که هم از شیعیان و هم از اهل سنت بودند، از ظرفیت دفاعیات استفاده کرده و شیعه و سنی را برادر یکدیگر معرفی کرده که هر دوی آنان مطالباتی ملی و مردمی دارند. در حقیقت تهدیدی که آل خلیفه سعی داشت تا از قبال قطب‌بندی متوجه مردم بحرین بویژه شیعیان کند به فرصتی برای بیان اتحاد میان اهل سنت و شیعیان گردید.

تجزیه و تحلیل این دفاعیات نشان از ساختار سیاسی غیرمنعطف و بسته نظام بحرین می‌دهد که همه امور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به پادشاه ارجاع داده می‌شود؛ بدین معنی که نظام بحرین به پادشاهی مطلق تبدیل شده است، در صورتیکه در منشور اقدام ملی که در سال ۲۰۰۱ از سوی نظام پیشنهاد شد و توسط مردم به تصویب رسید، نظام بحرین را پادشاهی

مشروطه اعلام کرده بود. این اختلاف قول و عمل سبب بحران میان مردم و نظام گردید. بررسی این دفاعیات نیز خیر از روحیه رهبران زندانی و ارائه طرح برخی از آنان همچون استاد عبدالوهاب حسین پیرامون حکومت مطلوب خود برای دوران پساخلیفی می‌داد. این بدین معنی است که نمی‌توان جنبش ۱۴ فوریه را تمام شده دانست بلکه باید آن را همانند آتشی در زیر خاکستر دانست که نیازمند رهبر برای دمیدن در این آتش است. شعله جنبش بحرین، با آزادی رهبران و نخبگان مردمی از زندان، بار دیگر شعله ور خواهد شد، زیرا این کشور از سال ۱۹۲۲ تاکنون به طور میانگین هر ۱۰ سال یکبار شاهد یک خیزش مردمی بوده است. اقدامات اخیر آل خلیفه در سلب تابعیت شیخ عیسی قاسم و زندانی کردن رهبران مردمی بحرین به افزایش خشم مردم و شعله‌ور شدن این خیزش کمک خواهد کرد.

منابع

الف- فارسی

- الخواجه، صلاح، (ب ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- الخواجه، عبدالهادی، (الف ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- السنندی، سید مرتضی، (۱۳۹۶)، رنج و امید، ترجمه علیرضا بیگی، چاپ اول، قم: نشر معارف.
- السنکیس، عبدالجلیل، (ب ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- المقداد، عبدالجلیل، (ب ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- المقداد، محمد حبیب، (الف ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- النوری، سعید، (ب ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- بزرگمهر، جلیل، (۱۳۳۶)، محاکمه و دفاع دکتر محمد مصدق، تهران: انتشارات تلاش.
- حسین، عبدالوهاب، (ب ۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.
- ع.ر، امیردهی، (۱۳۹۰)، «سرزمین‌های جهان اسلام، بحرین سرزمین مروارید»، فصلنامه

اندیشه تقریب، پاییز، شماره ۲۸.

- قرآن کریم

- گلستان، لیلی، (۱۳۹۱)، محاکمه سقراط، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

- مشیم، حسن، (۱۳۹۵)، گواه میهن بیانات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه بحرین و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، ترجمه علیرضا بیگی با همکاری سجاد رفیعیان، چاپ اول، قم: نشر شهید کاظمی.

- معین، محمد، (۱۳۴۳)، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- ون‌دایک، تئون، (۱۳۸۷)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی

انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، نشر اثر اصلی ۱۹۸۱.

ب- عربی

- الرمیحی، محمد غانم، (۱۹۹۵)، البحرین، مشکلات التّغییر السیاسی و الاجتماعی، الطبعة الرابعة، دار الجدید، بیروت: مکتبه مؤمن.

- السندی، السید مرتضی، (۲۰۱۶)، ألم و أمل، تجربته واقعیة فی سجون البحرین، الطبعة الأولى، بحرین: تیار الوفاء الإسلامی.

- الصالح، عبدالله، (۲۰۱۵)، علماء خلف القضبان، جمعیة العمل الإسلامی، قم المقدسة: مهرجاناً تضامنیاً ضمن فعالية «اسبوع العلماء المعتقلين».

- المتروک، نادر، (۲۰۱۷)، الزفرات، انتفاضة مارس ۲۰۱۵ فی سجن "جو" كما رواها السجناء، الطبعة الاولى، وكالة انباء البحرین اليوم.

- النوری، سعید، (۲۰۱۳)، شهادة وطن، إفادات قادة ثورة ۱۴ فبراير و المعارضة البحرانیة أمام المحاکم الخلیفیة، الطبعة الأولى، بحرین: تیار الوفاء الإسلامی.

- بوصفوان، عباس، (۲۰۱۲)، ربيع البحرین، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، مرآة البحرین، صحيفة إلكترونیة مستقلة، ص ۵۰۱ تا ۵۰۷.

- سلمان، علی، (۲۰۱۷)، مرافعة وطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرینیة الشيخ علی سلمان امام القضاء البحرینی، جمعیة الوفاق الوطنی الإسلامی.

- شریف، ابراهیم، (۲۰۱۳)، شهادة وطن، إفادات قادة ثورة ۱۴ فبراير و المعارضة البحرانیة

أمام المحاكم الخليفية، الطبعة الأولى، بحرین: تيار الوفاء الإسلامي.

مصاحبه‌ها

- الدقاق، عبدالله، (۱۳۹۶/۴/۲)، تاریخ شکل‌گیری گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- السندی، سیدمرتضی، (۱۳۹۶/۵/۷)، نقش تيار الوفاء الإسلامي در جنبش ۱۴ فوریه بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.
- الصالح، عبدالله، (۱۳۹۶/۷/۱۳)، نقش جمعیه العمل الإسلامي در جنبش ۱۴ فوریه بحرین، مصاحبه‌کننده علیرضا بیگی، قم.

سایت‌ها

- بی‌نا، (۲۰۱۱/۱۱/۱)، «موضوع خاص بأملاك و اموال البحرين و شعب البحرين المسروقة من عائلة آل خليفه»، فجر البحرين، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۲/۱۴)، قابل مشاهده در: <https://www.fajrbh.com/vb/threads/49828>
- بی‌نا، (۲۰۰۱/۱۱/۱۷)، «ماذا يملك "خليفه بن سلمان"؟ في مقارنة مع قصر تكلف بناءه ۷۰۰ مليون دولار»، ملتقى البحرين، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۲/۱۴)، قابل مشاهده در: <http://bahrainonline.org/showthread.php?t=45915>
- حسین، جاسم، (۲۰۱۵)، «الاقتصاد البحريني في ۲۰۱۵: العقوبات و التحديدات»، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۱/۲۹)، قابل مشاهده در: <http://www.bcs1.org.uk/arabic/?p=943>.
- صوت البحرين، (۲۰۱۷)، «دكتاتور البحرين يملك عقارات ضخمة في لندن»، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۲/۱۵)، قابل مشاهده در: <http://yon.ir/CtRbP>.
- مرسوم بقانون ۴۲، لسنة ۲۰۰۲، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۸/۲۰)، قابل مشاهده در: <http://yon.ir/7dJkm>

پ- انگلیسی

- Van Dijk, T.A, (2001), "Ideological Discourse Analysis", In E. Ventola & A. Solin (Eds.), New Courant [Special issue], Interdisciplinary Approaches to Discourse Analysis, 4.

- Van Dijk, T.A, (2007), *Prejudice in Discourse*, Amsterdam: Benjamins.
- Van Dijk, T.A., (2009), "The Representation of Social Actors", in *Text and Practice*, (eds.) C.R. Caldas-Colthard & M. Colthard, London: Routledge.
- Van Dijk, Teun A, (1998), *Opinion and Ideologies in the Press, In Approaches to Media Discourse*, Edited by Allan Bell and Peter Garrett, Blackwell Publication.
- Ven Dijk, T. A, (2002), "Principles of Critical Discourse Analysis", in *Critical Discourse Analysis*, (ed.) M. Toolan, London: Routledge.
- Ven Dijk, T. A, (2000), "Multidisciplinary CDA: A Plea for Diversity", In *Methods of Critical Discourse Analysis* (eds.) R. wodak & M. Mayer, London: Sage.
- Ven Dijk, T. A, (2003), *Ideology & Discourse: A Multidisciplinary Introduction*", retrieved on 05/01/07 from <http://www.hum.uva.nl>.

